

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ نومبر ۲۰۱۸

## انفجار مقابل درب زندان پلچرخي

**چهارشنبه- ۰۹ عقرب ۱۳۹۷ - کابل:** روز های چهارشنبه، روز پایواری زندانیان زن، در پلچرخي است. هرچند خودم تا اکنون به آنجا سری نکرده ام، مگر دوستانی که تجربه یکی دوبار و یا زیادتر رفتن به آنجا را دارند، از آنجا قصه هائی با خود می آورند که به گفته فردوسی " یکی داستان است پر آب چشم" و ساده نیست آن را شنید و دید و بر حال مردم در بند کشور خون نگریست.

بخش زنان زندان پلچرخي، خلاف بخش مردان که عمدتاً به دو قسمت جنائی و امنیتی تقسیم شده، دارای یک بخش می باشد. به گفته دوستانی که آشنائی بیشتر با آنجا دارند اکثریت زنان زندانی کسانی اند که می باید به جای زندان، به مثابه قربانی جنایات جامعه مردسالار در خانه های امن تحت مراقبت های جدی جسمی و روانی قرار گیرند تا صحت شان را بازیافته، بتوانند برای خود و برای خانواده های شان نقش مؤثر و مفیدی را به عهده بگیرند.

در جمع این زنان زندانی، مادرانی هستند که اطفال شیرخوار و یا بسیار کوچک شان را در داخل زندان در کنار خود دارند و به صد ها مادر دیگری نیز وجود دارد که فرزندان شان اعم از دختران و پسران خرد سال در خارج از زندان نزد یک تن از اقارب شان با درد "بی مادری" حیات به سر می برند. در نتیجه وقتی بزرگان تصمیم می گیرند تا سری به زندانی بزنند، از همه اولتر این کودکان داد و فریاد به راه می اندازند که می خواهند مادرشان را ببینند.

با چنین حالتی به صد ها خانواده با هزاران کودک معصوم، به روز های چهارشنبه هر هفته، عقب درب زندان پلچرخي یا اژدهای هزار سری که در هیچ کجای دنیا هیچ زندانی به اندازه اش خون انسان را نجوشیده است، ساعت ها صف می بندند، رشوت می دهند، گریه و زاری می کنند تا اجازه دیدار با مادر، خواهر، همسر و یا دختر زندانی شان را بیابند. یعنی اگر قرار باشد میزان درد و رنج را در بین شهریان کابل همین اکنون اندازه بگیریم، مطمئن باشید هرگاه برای پایواز ها، روز حضور پشت درب زندان، آنها را در مقام نخست دردمند ترین و رنجور ترین باشندگان کابل زمین قرار ندهد، یکی از سه همان ردیف به شمار می آید.

حال تصور کنید با چنین حالتی، به صد ها زن و کودک در عقب درب زندان به ساعت ۷ و ۲۰ دقیقه صبح با طی مسافت های طولانی خود را رسانده تا چانس دیدار با عزیز در بندش را پیدا نماید، که ماشین جنایت استعمار- ارتجاع، بار دیگر به کار افتاده با یک انفجار ۶ تن را به قتل می رساند و ده ها تن را زخمی می سازد.

هموطنان گرامی!

من نمی دانم شما چه فکر می کنید، باور کنید وقتی خودم آن صحنه را نزد مجسم می سازم به این نتیجه می رسم که خوشبختترین انسان در آنجا همانی بوده که بدون دیدن چشمان اشکبار و یا بدن مجروح یک کودک کشته شده است. هموطنان گرامی!

در اینجا هر دو طرف قضیه هم دولت دست نشانده و هم جنایتکاران انتحاری را باید به پاسخگویی کشاند. از دولت دست نشانده باید پرسید، شما چه نوع کنترولی را در آنجا اعمال می کنید، که فرد انتحاری از کنترل اول و دوم می گذرد و در کنترل سوم خود را منفجر می سازد، گذشتن از دو کنترل را چه نام بگذاریم؟ و اما جنایتکارانی که بقای شان را در ریختن خون بیگناهان می بینند:

این شرف باخته ها باید بگویند که انفجار مقابل درب یک زندان، چه چیزی را برای حاکمیت "اسلام ناب محمدی" و "اعلای کلمه الله" به ارمغان می آورد که شما بدان دست می یازید؟ هموطنان گرامی!

قلمم می خواست باز هم بر روی کاغذ بدود و هر دو طرف را دشنام بدهد، چون همین لحظه به جز دشنام و فحش های رکیک هیچ چیزی در ذهنم ندارم تا آن را نثار هر دو طرف جنایت نمایم. از همین رو به نوشته خاتمه می بخشم و باز هم فریاد می زنم، بیائید مشترکاً به عمر این شب تار در کشور خاتمه دهیم!

**سرکها ما را می طلبد!!**